روی خط حادثه

دستگیری سارق در بیمارستان

علی بابازاده| مراکز درمانی سطح شهر، هر روز مملو از بیماران و همراهان آن‌هاست؛ بیمارانی که روی تخت‌ها دراز می‌کشند و همراهان آن‌ها با نگرانی در راهروها به دنبال تهیه دارو یا گفت‌وگو با پزشکان به این طرف و آن طرف می‌دوند. در این شرایط افرادی هم پیدا می‌شوند که نمک به زخم آن‌ها می‌پاشند. همان‌ها که با نزدیک شدن به همراهان بیماران در یک لحظه اقدام به سرقت اموال آن‌ها می‌کنند. در آخرین مورد، پلیس گزارشات متعددی از همراهان بیماران در یکی از مراکز درمانی محدوده احمدآباد دریافت کرد؛ گزارشاتی که سرهنگ محمد چراغ، فرمانده انتظامی مشهد، با دستور به مأموران کلانتری احمدآباد از آن‌ها خواست دستگیری این فرد را در اولویت کاری خود قرار دهند.

به دنبال این دستور، مأموران کلانتری احمدآباد با همکاری حراست یکی از مراکز درمانی سطح شهر، تحقیقات میدانی خود را آغاز کردند. در ادامه این تحقیقات مأموران با مشاهده دوربین‌های مداربسته این بیمارستان، موفق به چهره‌زنی مردی شدند که خودش را همراه یک بیمار جا می‌زد و با ورود به بخش اورژانس اقدام به سرقت تلفن همراه بیماران می‌کرد. با به‌دست‌آمدن چهره متهم، چند تیم از مأموران دایره تجسس کلانتری احمدآباد گشت‌های نامحسوس خود را در محدوده مراکز درمانی آغاز کردند.

تلاش مأموران برای شناسایی متهم ادامه داشت تا اینکه سرانجام یکی از تیم‌های تجسس، متهم را که با پوشش همراه یک بیمار قصد ورود به اورژانس یکی از مراکز درمانی را داشت، شناسایی و در اقدامی ضربتی دستگیر کردند. با انتقال متهم به کلانتری احمدآباد، مأموران در بازرسی از او یک گوشی همراه مسروقه کشف و ضبط کردند. متهم که سی سال سن داشت، در بازجویی پلیس و در مواجهه با تصاویر دوربین‌های مداربسته به سرقت تلفن همراه بیماران و همراهان آن‌ها در مراکز درمانی شهر مشهد و فروش آن به یک مال‌خر اعتراف کرد. تلفن‌های همراهی که مأموران شش دستگاه از آن‌ها را در بازرسی از مخفیگاه متهم کشف و ضبط کردند. در ادامه رسیدگی به این پرونده مأموران با هماهنگی مقام قضایی در عملیاتی ضربتی به مخفیگاه مال‌خر رفتند و ۴۴ دستگاه گوشی سرقتی را از او کشف کردند. پلیس تاکنون هجده نفر از مال‌باختگان را شناسایی و گوشی‌های آن‌ها را پس داده است. تحقیقات از متهمان برای کشف جرایم احتمالی دیگر ادامه دارد.

سرقت سریالی از یک فروشگاه

بخشنده| صبح زود وقتی کارکنان یک فروشگاه بزرگ در منطقه مصلی در محل کار خود حاضر شدند، با دیدن قفل‌های شکسته در، گزارش سرقت از محل کار خود را به پلیس دادند. با حضور پلیس در محل مشخص شد سارق یا سارقان اگرچه اجناس این کلی فروشی را به هم ریخته بودند، اما از مواد غذایی چیزی به سرقت نبرده بودند. با این حال، درِ گاوصندوق باز و خبری از ۶ میلیارد ریال پول نقدی که در گاوصندوق وجود داشت، نبود. با تأیید سرقت از این فروشگاه، مأموران دایره تجسس کلانتری مصلی، بلافاصله تحقیقات میدانی خود را در محل و محدوده سرقت آغاز کردند. تلاش پلیس برای شناسایی متهم ادامه داشت تا اینکه مأموران با استفاده از سرنخ‌های به‌جامانده موفق به شناسایی متهم شدند. در ادامه رسیدگی به این پرونده، مأموران با هماهنگی مقام قضایی متهم را در یک عملیات ضربتی دستگیر کردند. متهم اگرچه در بدو دستگیری منکر ارتکاب هرگونه جرمی می‌شد، اما در مواجهه با مدارک پلیس، علاوه بر اعتراف به سرقت از این فروشگاه به سرقت‌های سریالی از این فروشگاه اعتراف کرد.

آغاز دزدی در ۵۰سالگی

جلائیان| پس از گزارش چندین فقره سرقت تلفن همراه شهروندان در اماکن عمومی شلوغ هسته مرکزی شهر، پیگیری و دستگیری عامل یا عاملان این سرقت‌ها در دستورکار مأموران کلانتری شیرازی قرار گرفت.

مأموران کلانتری شیرازی تحقیقات میدانی خود را در محدوده وقوع سرقت‌ها آغاز کردند. باوجود اینکه سارقان کوشیده بودند در مناطق فاقد دوربین‌های مداربسته مرتکب دزدی شوند، اما تلاش مأموران نتیجه داد و آن‌ها توانستند با بازبینی دوربین مداربسته یک مرکز خرید چهره مردی میان‌سال را که با استفاده از شلوغی فروشگاه‌ها و دیگر اماکن عمومی اقدام به کش‌روی تلفن همراه و دیگر وسایل باارزش می‌کرد، شناسایی کنند. با به‌دست‌آمدن چهره متهم، مأموران با اشراف اطلاعاتی خود، محل اختفای او را شناسایی و دستگیر کردند. متهم که پنجاه سال سن داشت، در بازجویی اولیه می‌کوشید منکر ارتکاب هرگونه جرمی شود؛ اما در مواجهه با تصاویری که از لحظه سرقتش ضبط شده بود، در بازجویی‌ها به ۹ فقره سرقت تلفن همراه و اموال باارزش شهروندان اعتراف کرد.

سقف یک مدرسه در ۲ روز پیاپی فروریخت

صداوسیما| ریزش سقف کاذب یک مدرسه تازه‌تأسیس در حاشیه شهرستان جغتای منجر به بستری شدن شش دانش‌آموز در بیمارستان شد. این مدرسه بهمن سال گذشته در روستای ابوچناری جغتای افتتاح شده بود، اما به‌دنبال وزش باد روزگذشته سقف کاذب کلاس ششم آن فرو ریخت؛ حادثه‌ای که یک روز قبل از آن هم تکرار شده بود و دو دانش‌آموز دختر به‌دلیل ریزش سقف، روانه بیمارستان شدند.

کشوری

دستگیری سارقان روی دیوار خانه دبیر

ایرنا| دو سارق نقاب‌دار که در تلاش برای ورود به منزل رئیس فدراسیون کشتی بودند، با گزارش یکی از اهالی به پلیس دستگیر شدند. به‌دنبال گزارش تلاش دو سارق برای ورود به یک ساختمان در منطقه ولنجک تهران، پلیس بلافاصله در محل حاضر شد و متهمان را دستگیر کرد. با انتقال متهمان به مقر انتظامی، مخفیگاه این افراد مورد بازرسی قرار گرفت؛ محلی که مقادیر درخورتوجهی لوازم مسروقه به‌همراه یک قبضه سلاح گرم و کارت‌های شناسایی کشف شد.

دستگیری مردی که با همدستی خانواده همسرش از تنها برادرش دزدی می‌کرد

دزدی چندمیلیاردی از برادر



عکس تزئینی است

جلائیان

گزارش

حوالی ساعت ۳ تا ۴ بامداد هر روز یک خودرو وارد خیابان سنایی می‌شد و در مقابل یک خانه می‌ایستاد. بعد از آن هم مرد جوانی با عجله مقداری لوازم ورزشی از خودرو خارج می‌کرد و درون خانه می‌برد. تکرار این کارها باعث شد یکی از اهالی منطقه به این فرد مشکوک شود و موضوع را به پلیس گزارش کند. باوجود اینکه در سامانه پلیس شکایتی مبنی بر سرقت لوازم ورزشی وجود نداشت، سرهنگ محمد چراغ، فرمانده انتظامی مشهد، به این گزارش مشکوک شد و از مأموران کلانتری سناباد خواست این موضوع را پیگیری کنند. به‌دنبال این دستور، مأموران دایره تجسس با زیرنظرگرفتن مظنونان در این واحد مسکونی، از راز خیانت عجیب یک برادر به برادر بزرگش پرده برداشتند.

پیگیری این پرونده نشان می‌دهد مال‌باخته و متهم، دو برادر هستند که هیچ شباهتی به‌جز نام فامیلی با هم نداشتند؛ حتی خلق‌وخوی آن‌ها با هم به‌کلی متفاوت است. برادر بزرگ‌تر پشتیبان پدر بوده و از نوجوانی با تلاش زیاد توانسته است اعتبار خوبی در بازار لوازم ورزشی مشهد برای خودکسب کند. تلاش‌های این مرد جوان نتیجه داد و او توانست پس از شراکت با یک سرمایه‌دار دیگر، تبدیل به یک فروشنده بزرگ لوازم ورزشی در مشهد شود. این دو شریک با هم یک انبار بزرگ در منطقه قرنی خریداری و آن را مملو از اجناس ورزشی کردند.

برخلاف این مرد جوان، برادر کوچک او سرنوشت متفاوتی پیدا کرد. او پس از رفاقت با دوستان ناباب، سرنوشتش به‌کلی متفاوت شد. او پس از ارتکاب به چند فقره سرقت توسط پلیس دستگیر شد و به زندان رفت. پس از اتمام دوران محکومیتش با یک دختر جوان آشنا شد؛ دختری که پدرش فوت کرده بود و به‌همراه مادر، یک خواهر و برادر خردسالش، زندگی می‌کرد. خانواده‌ای که ابوالفضل هر چیزی از دوستان نابابش یا در زندان یاد نگرفته بود، از آن‌ها آموخت. احتمالا دزدی از برادر، یکی از همین موارد بود.

یک ماه سرقت از برادر

بامداد دو روز بعد، حوالی ساعت ۳، مرد جوان با یک خودروی ۲۰۶ در مقابل انبار ایستاد و این بار لوازم باارزش‌تری مانند اسکوتر و لوازم ورزشی را به سرقت برد؛ اموالی که یک بار دیگر آن‌ها را به خانه مادرزنش برد. ابوالفضل حدود یک ماه این کار را تکرار کرد. هر بار به انبار می‌رفت، تلاش می‌کرد اموالی بردارد که در این انبار زیاد به چشم نیاید. او تمامی وسایل را به افراد مختلف با قیمت ناچیزی می‌فروخت. باوجوداین، حدود یک میلیارد تومان به دست آورد.

گزارش همسایه به پلیس

در طول یک ماه که ابوالفضل این کار را تکرار می‌کرد، یکی از اهالی این منطقه به او مشکوک شد. این شهروند وقتی می‌دید ابوالفضل هر شب حوالی ساعت ۳ تا ۴ بامداد با خودروهای مختلف، مقداری لوازم ورزشی به خانه همسایه‌اش می‌آورد، پلیس را در جریان ماجرا قرار داد. پلیس خبر این شهروند را در سامانه خود بررسی کرد؛ اما گزارشی مبنی بر سرقت لوازم ورزشی توسط هیچ شهروندی ثبت نشده بود. باوجود این موضوع، کلانتری سناباد مسئول پیگیری این گزارش شد.

تعقیب نامحسوس متهمان

با دستور سرهنگ رجبعلی صفایی، مأموران کلانتری سناباد برای بررسی این گزارش در محدوده خانه مدنظر مستقر شدند. دقایقی پس از استقرار مأموران، یک دستگاه وانت‌آریسان در مقابل خانه توقف کرد. خودرویی که پس از سوارشدن دو زن و یک مرد به راه افتاد. وانت نیسان از خیابان سنایی خارج و با ورود به منطقه شهید قرنی، در مقابل یک انبار بزرگ توقف کرد.

با توقف این وانت، دو سرنشین زن از این خودرو پیاده شدند و درِ ورودی انبار را باز کردند. این دو زن به قصد ازکارانداختن دوربین‌های مداربسته ابتدا سراغ دوربین‌ها رفتند و بعد ابوالفضل را برای کمک به داخل فراخواندند. هر سه نفر درحالی‌که همچنان دوربین‌ها چهره آن‌ها را ضبط می‌کرد، شروع به خارج‌کردن اموال گران قیمت از انبار کردند. با سرعت عمل این افراد، وانت آریسان خیلی زود پر شد. سارقان به‌همراه اموال، به خانه‌شان بازگشتند.

۳ بار سرقت در یک شب

متهمان اموال را از وانت تخلیه کردند و دوباره برای خارج‌کردن اموال بیشتر به محل انبار بازگشتند. مأموران به‌دنبال رفتار مشکوک این افراد، برای اطمینان از مجرم‌بودن آن‌ها، اقدام به شناسایی مالک انبار کردند؛ تلاشی که نتیجه داد و پس از سه بار رفت‌وآمد به انبار، آن‌ها توانستند پس از چندبار تماس با مالک این انبار صحبت کنند.

سارقان، برادر و زن برادرم هستند!

مال‌باخته در حالی‌که پلیس، انبار و خانه‌ای را که اموال او به آنجا منتقل شده بود، زیرنظر داشت، خودش را به انبارش رساند. مرد جوان پس از مشاهده اولین دقیقه از تصاویر ضبط شده، فیلم را متوقف کرد و خطاب به فرمانده کلانتری سناباد گفت که از دو زن و دو مردی که چهره آن‌ها در این سرقت مشخص است، یک نفر برادر و زن جوان، همسر برادرش است. مال‌باخته تصاویر ضبط شده در شب‌های قبل را بررسی کرد و مردی را که با یک ماسک اموال او را به سرقت می‌برد، شناخت.

عملیات ضربتی برای دستگیری متهمان

مأموران کلانتری سناباد پس از هماهنگی با مقام قضایی، به‌همراه تیمی از مأمورانش در عملیاتی ضربتی، متهمان را که در حال تخلیه اجناس بودند، دستگیر کردند. پلیس در بازرسی از منزل متهمان و وانت بیش از یک میلیارد تومان اموال مسروقه‌ای را که سارقان در همان شب ربوده بودند، کشف و ضبط کردند.

مأموران، متهمان را که برادر مال‌باخته، همسر و مادرزن برادرش بودند و همچنین راننده آریسان را به کلانتری سناباد منتقل کردند؛ جایی که دو برادر با یکدیگر روبه‌رو شدند. ابوالفضل در ابتدا روی دیدن برادرش را نداشت؛ اما با ورود مادرزن و همسرش به سالن، با او درگیری لفظی پیدا کرد. ابوالفضل در بازجویی اعتراف کرد که از یک ماه قبل اموال برادرش را سرقت کرده است. او درباره سرنوشت اجناس هم مدعی شد که آن‌ها را به اشکال مختلف، حدود یک میلیارد تومان فروخته است.

ادعاهای عجیب مادرزن در بازجویی

باوجود اعترافات ابوالفضل، مادرزن او در بازجویی مدعی شد دامادش به او گفته با برادرش شریک است و این انبار هم متعلق به هردوی آن‌هاست و ما به دامادم کمک کردیم تا اموالش را از انبار خارج کند. با تکمیل اعترافات متهمان و شکایت مال‌باخته از برادرش و خانواده همسر او، پلیس درحالی‌که به تحقیقات خود از متهمان ادامه می‌دهد، پرونده آن‌ها را به دادسرا منتقل کرد.

حادثه داغ

نجات ۲۰ محبوس در آتش



جلائیان| عصر روز گذشته آتش‌نشانان مشهدی با اعلام دو حادثه در بازه زمانی نزدیک به هم، یکی در بولوار سجاد و دیگری در میدان فجر، دو عملیات دشوار را هم‌زمان پشت سر گذاشتند. اولین حادثه، مربوط به حریق یک تابلوی تبلیغاتی بود که بلافاصله آتش به بدنه ساختمان سرایت کرد. حریق طبقه اول این ساختمان را فراگرفت و راه خروج بیست نفر از ساکنان این ساختمان را بست. با اعلام این حریق، بلافاصله هفت دستگاه خودروی سنگین و نیمه‌سنگین به‌همراه تجهیزات کامل و نردبان بلند از ایستگاه‌های ۳ و ۴۳ به محل اعزام شدند. با توجه به مسدود شدن مسیر تردد در طبقه اول، امدادگران در بدو ورود با کنترل حریق، بیست فرد محبوس شده در این ساختمان را در طبقات مختلف با استفاده از نردبان خارج و به محل امن منتقل کردند. با تخلیه ساختمان، امدادگران با استفاده از تجهیزات خود آتش سوزی را به طور کامل خاموش و به کار خود پایان دادند. هم‌زمان با این عملیات، خبر فرونشست زمین و سقوط یک دستگاه کامیون در میدان فجر به آتش‌نشانی مشهد رسید. با اعلام این حادثه، امدادگران آتش‌نشانی شماره ۸ به‌همراه پلیس راهور راهی محل شدند. پس از انسداد محل و جلوگیری از تردد خودروها، آتش‌نشانان با جرثقیل، کامیون را خارج کردند و به ایمن‌سازی محل پرداختند.

جدول ۴۲۶۶

